

سنجش میزان احساس تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضایی - مکانی آن در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله سهل آباد شیراز)

جمیله توکلی نیا

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی، تهران

J_tavakolinia@sbu.ac.ir

محمد صادق افراسیابی راد

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

محمد حسین بوچانی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

تاریخ پذیرش: 1394/2/20

تاریخ دریافت: 1393/12/14

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی و سنجش میزان حس تعلق به مکان و نیز شناخت تأثیرات فضایی - مکانی آن در محلات واقع در بافت فرسوده می باشد. روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر مشاهدات میدانی، مصاحبه و به دست آوردن داده‌ها، از طریق پرسشنامه و تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم افزار SPSS در محله سهل آباد که در جنوب شهرداری منطقه هفت شیراز واقع گردیده صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، در مجموع تعلق احساسی به مکان در این محله 1.52 می‌باشد به این معنا که بیش از نیمی از اهالی محل به محله خود تعلق احساسی داشته‌اند، دل‌بستگی یا تعلق کارکردی در محله مورد تحقیق 1.35 (کمتر از نصف) و کمتر از 50٪ افراد این محله با مؤلفه‌های تعلق مفهومی به مکان موافق بوده‌اند، میانگین مؤلفه‌های تعلق مفهومی در این محله 1.45 می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش عواملی چون وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و نوع بافت محله با میزان احساس تعلق مکانی افراد به مکان رابطه معناداری داشته‌اند. با بررسی‌های صورت گرفته در مورد تأثیرات فضایی - مکانی هر کدام از شاخصه‌های حس تعلق به مکان باید گفت که شاخصه‌های تعلق احساسی و نیز تعلق مکانی به مراتب تأثیرات فضایی - مکانی بیشتری نسبت به تعلق مفهومی در محله مورد تحقیق داشته‌اند. از تأثیرات فضایی - مکانی حس تعلق به مکان می‌توان به افزایش میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، پرداخت مالیات، نگهداری از تجهیزات و نیز حفظ نظافت محله توسط شهروندان اشاره نمود.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده شهری، تأثیرات فضایی - مکانی، حس تعلق به مکان، محله سهل آباد، شیراز.

مقدمه

طرح مسأله

بحران هویت در شهرهای امروزی ما منتج از منھا کردن معنا، حس و روح در برآوردهای منحصرأ مادی قرن بیستمی توسعه است (پرتویی، 1382). عملکردگرایی دیدگاه‌های مدرنیستی توسعه، انسان، شهر و معماری را از معنا بیگانه و از حس تهی ساخته و با تولید انبوه فضاهای بی هویت و بی معنا انسان را در بی مکانی و بی هویتی رها کرده است (مظلومی، 1389، 1). حس تعلق به مکان، لازمه و زیرساختی برای برنامه‌ریزی در شهرها بوده و در هر برنامه‌ریزی می‌بایست به بعد معنوی شهر، یعنی روح مکان نیز اهمیت داد تا شهرها به سمت انسانی‌تر شدن تکامل یابند و در این ارتباط بیشترین تأکید را متوجه میزان تعلق به مکان در ساکنین محلات شهری (بویژه در بافت های فرسوده) می‌نماید. احساس افراد از مکان می‌تواند تأثیرات فضایی و مکانی مختلفی بر جای بگذارد. درک تعلقات حس مکانی و تأثیرات فضایی - مکانی آن بر روی محلات شهری و نیز شناخت علمی آن می‌تواند توسعه پایدار و همه جانبه شهر را هر چه بهتر و مطلوب‌تر تحقق بخشد و طرح‌های مختلف توسعه‌ای شهر از قبیل نوسازی، بهسازی و ... را به سمت واقع بینانه‌تری هدایت کند. حس مکان، حتی در سلامتی روحی و روانی انسان نیز تأثیرگذار است (Hagerty et al. 1991, 172) و در مواردی حس تعلق به مکان باعث جلوگیری از بیماری دلتنگی شده است (Sergeant et al. 2002, 120). حس تعلق به مکان نقطه مقابل حس لامکانی است، حس لامکانی به احساس عدم تعلق به مکان که ناشی از فقدان تنوع است اشاره دارد (شکویی و تبریزی، 1382، 43). عواملی مانند حکومت‌های مرکزی، جهانی شدن، فرایند عام سرمایه‌داری جهانی، ارتباطات و وسایل ارتباطی، نوگرایی و سبک بین‌المللی معماری و به تبع آن معماری مدرنیست، جغرافیای کاربردی یا جغرافیسم مترادف با برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر مکتب فضایی، گسترش تکنولوژی و اصالت عقلانیت فنی، تولید انبوه و مکان‌سازی کاپیتالیستی و کالایی کردن فضای شهری همه از عوامل تولید حس لامکانی قلمداد شده‌اند (همان منبع، 45). حس مکان دارای سطوح مختلفی است که حس تعلق و دل‌بستگی به مکان یکی از این سطوح به شمار می‌رود. در تحقیق حاضر به منظور بررسی دقیق حس مکان از مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان استفاده شده است چرا که دل‌بستگی به مکان از ابعاد قابل اندازه‌گیری‌تر حس مکان است (Shuhana , Norsidah, 2008, 399). اهمیت حس تعلق به حدی است که نیاز برای ساختن پارادایم جدید حس تعلق، احساس می‌گردد (Becker, 2002, 424). حس تعلق و دل‌بستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای به خود می‌گیرد (فلاح، 1385، 60) و بر همین اساس در اکثر برنامه‌ریزی‌هایی که در شهرهای

ایران و خصوصاً در بافت‌های فرسوده صورت پذیرفته مسائل اجتماعی شهر کمتر در نظر گرفته شده است و خطر از بین رفتن هویت شهرهای امروزی جدی‌تر احساس می‌شود. تحقیق حاضر به دنبال یافتن نوع شهرسازی مردم‌پسند و مردم‌گرا و نوعی شهرسازی که مردم هر محله نسبت به محله خود دارای حس تعلق باشند و نیز به دنبال سنجش میزان حس تعلق مکانی در بافت فرسوده شهری و شناسایی تأثیرات فضایی- مکانی آن می‌باشد.

حس تعلق به مکان زندگی، یکی از مباحث مهم در برنامه‌ریزی شهری است که در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها نقش زیادی می‌تواند داشته باشد بطوری‌که حس تعلق بالای شهروندان به محله و شهر خود، از جهات گوناگون برای توسعه و پیشرفت شهرها سودمند است. انسان تا زمانی که ماهیت خود را از دست نداده باشد به خاطره و احساس، خانه و وطن تعلق و نیاز خواهد داشت و خاطره در «لامکان» شکل نخواهد گرفت (میر مقتدایی، 1383، 30). حس تعلق به مکان، حس تعلق به محل سکونت و داشتن احساس دلبستگی به آن محل می‌باشد (شکویی و تبریزی، 1382، 41). در جایی دیگر نیز حس تعلق به مکان، تجربه مردم از مکان تلقی شده است (Shuhana and Norsidah, 2008, 339). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی در یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، 1384، 57).

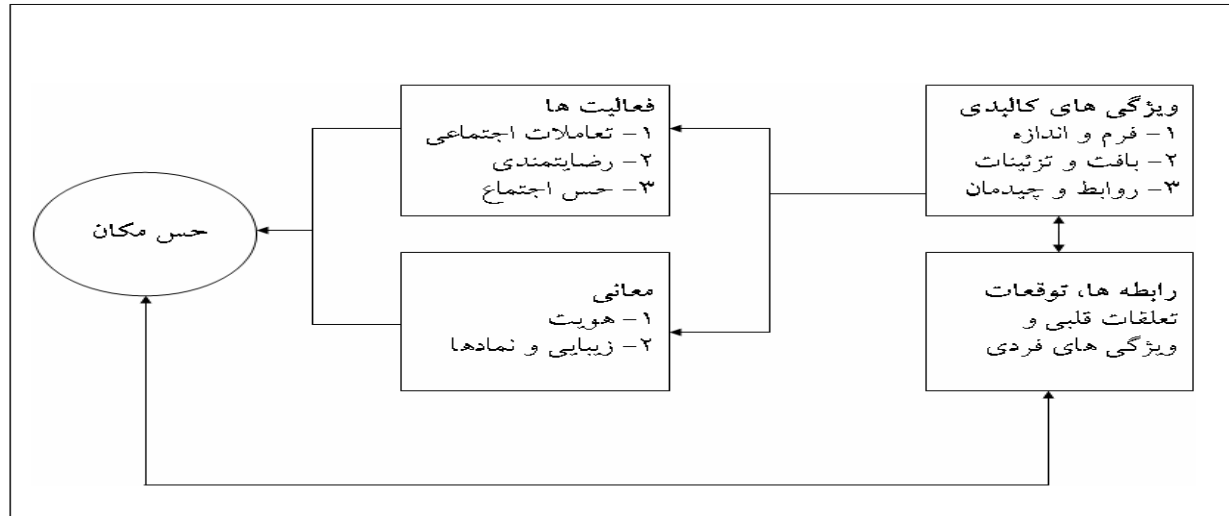
پیشینه تحقیق

در مورد حس تعلق به مکان در دنیا، خصوصاً در سطح شهرها مطالعات و تحقیقات زیادی انجام گرفته که حاکی از اهمیت فراوان موضوع است در این تحقیقات حس تعلق به مکان از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله در رایس سنگاپور، حس مکان در رابطه با خانه‌سازی عمومی و تراکم‌های مختلف شهری مطالعه شده است (Teo and huang, 1996, 307). در مالزی حس تعلق در خیابانهای قدیمی مورد مطالعه قرار گرفته و دلبستگی مکانی قوی در خیابانهای سنتی به اثبات رسیده است در این پژوهش محققان نقش دلبستگی در ایجاد حس مکان برای خیابانهای سنتی مالزی و تعلق و دلبستگی به

خیابان‌های سنتی خرید در مرکز شهر کوالالمپور را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، بررسی‌ها، مصاحبه‌ها و پرسش‌های رو در رو با افرادی که به این خیابان‌ها آمده و خرید نموده‌اند صورت گرفته تا حس تعلق و دلبستگی و نقش آن در هویت محل روشن شود یافته‌ها حاکی از آن بوده که دلبستگی به خیابان‌های سنتی مالزی قوی و شدید بوده و بر ادراکات فردی از هویت محل‌ها تأثیرگذار است. این خیابان‌ها از لحاظ پایدار نگه داشتن فعالیت‌های اقتصادی مهم بوده و در تأکید بر تنوع فرهنگی و هویت شخصی و گروهی اهمیت زیادی دارند (*Shuhana and Norsidah, 2008, 399*). در تحقیقی دیگر نیز ثابت شده که بهداشت و زندگی خوب در یک واحد همسایگی باعث ایجاد حس تعلق در بین زنان سال‌خورده گردیده (*Young et al. 2004*) و همچنین تحقیقات دیگری دلبستگی، حس عمومی و وابستگی مکان در رابطه با هویت مکان (*Pretty et al. 2003, 273*)، حس تعلق، شاخص اجتماعی و عملکرد روانشناسان، بررسی حس مکان در اشخاص بی‌خانمان (*Vandemark, 2007, 241*)، حس مکان در شهرکهای روستایی استرالیا (*Pretty, 2003, 273*) در سال‌های اخیر انجام گرفته است. حس تعلق به مکان حتی در سلامتی روحی و روانی انسان نیز تأثیرگذار است (*Hagerty et al. 1991, 172*) و در مواردی حس تعلق باعث جلوگیری از بیماری دل‌تنگی شده است (*Sergeant et al. 2002, 120*).

از مطالعات مشابه با این موضوع در داخل می‌توان به رساله دکتری جلال تبریزی تحت عنوان «تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی: مطالعه موردی پروژه نواب» (شکویی و تبریزی، 1382)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن» (فلاح، 1385، 55-60)، «بررسی حس مکان در شهرهای جدید: مطالعه موردی شهر جدید اندیشه» (قاسمی اصفهانی، 1386، 323)، «تصورهای ذهنی و مفهوم مکان» (حبیبی، 1387، 39)، و نیز تحقیق «مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه» (پرتوی، 1382، 40) اشاره نمود. عباس فلاح به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل موثر بر آن پرداخته و تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی کرده است. وی در ابتدا به معنای حس مکان و مفهوم آن از دیدگاه‌های مختلف پرداخته و در نهایت سطوح مختلف و عوامل شکل‌دهنده آن را بیان می‌کند و در نهایت مدلی برای نشان دادن چگونگی تأثیرات این عوامل ارائه داده است (فلاح، 1384، 57). بر اساس این مدل محیط کالبدی از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و با توجه به اینکه روابط متقابل اجتماعی افراد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی و قرارگاه‌ها است چگونگی فرایند ادراک نیز در ایجاد تصورات ذهنی و تعلق افراد نسبت به قرارگاه با اهمیت است. از سوی

دیگر چگونگی نیاز افراد، توقعات آنها از مکان و چگونگی ارتباط با مکان نیز از عوامل موثر در حس مکان افراد است و در بررسی و مطالعات، این عوامل باید مورد توجه قرار گیرند (فلاح، 1384، 64).



شکل شماره 1- عوامل موثر بر حس مکان و چگونگی شکل‌گیری آن (فلاح، 1384).

جلال تبریزی نیز در رساله دکتری خود، تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی (نمونه موردی: پروژه نواب تهران) پس از مرور اجمالی تاریخ و تجربه نوسازی شهری، عناصر اصلی نوسازی شهری فن‌گرا را مشخص و تأکید بر آن دارد که علی‌رغم فاصله‌گیری نوسازی شهری در جهان خارج از گرایش‌های اقتداری و فن‌گرا، در ایران کماکان این نوع برنامه‌ریزی ادامه دارد و برنامه‌ریزی شهری صورت گرفته در منطقه نواب مبین آن نوع رفتار فن‌گرایانه است و بر ضرورت به رسمیت شناختن سهم و اعانت جغرافیای انسان‌گرا در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری قوی بین برنامه‌ریزی فن‌گرا و ایجاد حس لامکانی وجود دارد (تبریزی، شکویی، 1382، 1).

حس تعلق به مکان

قلمرو با یک مکان، هویت روانشناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید (شعله، 1385، به نقل از *Pastslsn, 1970, 88-101*). متمایز شدن خصوصیات یک مکان از مکانی دیگر باعث می‌شود که افراد ساکن احساس نمایند که مکان زندگی آنها دارای کیفیات خاص است و ضمن علاقه به آن تمایل به تأمین نیاز در داخل محدوده آن مکان داشته باشند (همان منبع به نقل از *Polloway and*

چنین احساسی نسبت به محل زندگی «احساس تعلق به مکان» گفته می‌شود که لنگ آن را به عنوان حس شهروندی نسبت به مکان تعبیر کرده است (همان منبع، 85 و 19 به نقل از *Lang, 1994, 291*). امروزه با توجه به دگرگونی‌های عظیمی که در ساختار نهادهای اجتماعی شهرها صورت گرفته است و همچنین جهت گیری‌های نظام سرمایه گذاری در زمینه ساخت و ساز و ایجاد فضاهای شهری با تضعیف احساس تعلق مردم به محله‌ها و فضاهای شهری روبرو هستیم، که این احساس عدم تعلق مردم به فضاهای شهری با تضعیف احساس تعلق مردم به فضاهای شهری بی‌تأثیر نبوده است (کرمی و شریعتی، 1387، 1). اگر چه انسان‌ها از نگاه جغرافیای زیستی و محیط فرهنگی در بستر زمان در شرایط متفاوت به سر می‌برند اما در بسیاری از نیازهای اساسی خویش وجه اشتراک دارند. رویکرد انسانی به طراحی شهری، توجه به نیازهای مشترک مردم در بستر زمان را در جهت توسعه پایدار شهری در فرهنگ‌ها و اقلیم‌های متفاوت سرلوحه اقدامات خویش قرار می‌دهد. توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری به نقش خواست‌های انسانی در توسعه زندگی جمعی آنها را قادر می‌سازد تا در جهت توسعه پایدار کالبدی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی الگوهای متناسب را ارائه نمایند (مطلبی، 1385، 58). «مکان و نامکان» اردوآرد رلف از اولین پژوهش‌هایی است که بر اساس نظریه‌های پدیدارشناسی شکل گرفت و بر روی مطالب روان‌شناسانه و تجربه‌گرایی حس مکان تمرکز دارد. او به بررسی ویژگی‌های حس مکان که برگرفته شده از روح مکان است و موجب معنا و هویت مکان می‌گردد می‌پردازد (حبیبی، 1387، 43). حس مکان غالباً در مورد اصطلاح لاتینی روح مکان بحث می‌کند، این اصطلاح بیان می‌دارد که مردم چیزی فراتر از خصوصیات فیزیکی مکان‌ها را تجربه می‌کنند و می‌توانند پیوستگی خود با روح مکان را احساس کنند (حبیبی، 1387، 43، به نقل از *Cuthbert, 2006, 95*). از نظر "رلف" حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود (فلاح، 1385، 58، به نقل از *Relph, 1976*). از دیدگاه پدیدارشناسان، اگر چه هیچ چیزی بدیهی‌تر از فضا نیست، اما زمانی که فضا مبدل به مکان می‌شود، شناخت آن به آسانی میسر نیست، زیرا با زیست‌بوم مردم عجین می‌شود. رلف در ارائه نظریه حس لامکانی خود ملهم از هایدگر بوده و با کمک مکتب پدیدارشناسی به نظریه تنی چند از جغرافی‌دانان پدیدارشناس مانند یو فو توان و آن بوتیمر میسر شده است (شکویی، تبریزی، 1382، 153). رلف می‌گوید هر چند بی‌شکل و نامحسوس، هر زمان که ما فضا را درک و احساس کنیم، نوعاً مفهوم مکان نیز شکل می‌یابد. برای رلف مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویدادی شکل گرفته‌اند. با آغوشن آنها با معنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند (حبیبی، 1382، 43، به نقل از کارمونا

2006، 97). تبدیل یک فضا به سبب روی دادن خاطره‌ای جمعی به مکان، در واقع رلف مکان را با حضور انسان و روی دادن رخدادی تعریف می‌کند اما حس مکان را چیزی فراتر از آن و در پیوستگی با زمان گذشته می‌داند (حبیبی، 1382، 43). برای رلف حس مکان، داشتن نقطه‌ای امن در برابر تهدیدهای دنیا، یک درک و فهم عمیق از موقعیت و جایگاه خودمان در برابر دیگر چیزها و داشتن یک پیوستگی پرمعنای روحی و روانی به جایی خاص معنا می‌شود (حبیبی، 43، 82، به نقل از کارمونا 2006، 98). جانستون معتقد است که متخصصان جغرافیای انسان‌گرا در دهه 1970 برای تمیز‌گرایش خود از جغرافی‌دانان پیرو مکتب تحصیلی پوزیتیویسم بر روی حس جا یا «ساخت یافتن محلی احساس» تأکید کردند (پور احمد، 1385، 80، به نقل از جانستون 1379).

نظریه بی مکانی

حس لامکانی را می‌توان با حس متضاد آن شناخت و آن به معنای متنوع بودن مکان‌ها و همچنین حس تعلق به مکان سکونت و داشتن احساس دل‌بستگی به آن محل سکونت دانست. در ادبیات روانشناسی اجتماعی پذیرفته شده است که حس تعلق به مکان، رابطه مستقیمی با طول مدت اقامت در آن مکان دارد و زندگی دائم در یک مکان به مدت حداقل پنج سال در یک مکان خاص سکونت اختیار کند، تعلق خاطر نسبت به آن مکان دارد (شکویی و تبریزی، 1382، 150). هایدگر بر این اعتقاد است که در دوران مدرن کنونی، سکونت بشری به ساختن، تنزل یافته است. توجیه او در این زمینه که چرا ما امروزه به طور نازل‌تری سکونت می‌کنیم، پیچیده است. او معتقد است که بخشی از این رخداد، ناشی از آن است که ما جهان خود را بیش از حد دست‌کاری نموده و در آن مداخله می‌کنیم و به جای آنکه سعی نماییم با جهان از دیدگاه «آسیب نرساندن و حفاظت» همراه شویم و به آن مجال دهیم که بماند و بشود، مداوماً تقاضاهای گوناگونی را مطرح می‌نماییم. از این جنبه نکته کلیدی برای سکنی‌گزینی آن است که بگذاریم خودمان و جهان باشیم. این امکان بخشیدن به بودن و هستی، شامل روش‌هایی است که ما می‌سازیم، می‌بینیم، می‌فهمیم و فکر می‌کنیم (پرتوی، 1382، 44). در حالی که «مکان‌داری» موجب احساس ریشه‌دار بودن و تعلق به محیط گشته و مجسم‌کننده خواست و اراده است، بی مکانی دلالت بر فقدان معنی دارد (همان منبع، 45). عواملی مانند حکومت‌های مرکزی، جهانی‌شدن، فرایند عام سرمایه‌داری جهانی، ارتباطات و وسایل ارتباطی، نوگرایی و سبک بین‌المللی معماری و به تبع آن معماری مدرنیست، جغرافیای کاربردی یا جغرافیسم مترادف با برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر مکتب فضایی، گسترش

تکنولوژی و اصالت عقلانیت فنی، تولید انبوه و مکان‌سازی کاپیتالیستی و کالایی کردن فضای شهری، همه از عوامل تولید حس لامکانی قلمداد شده‌اند (شکویی و تبریزی، 1382، 45).

مواد و روش‌ها

شهر شیراز مرکز استان فارس به روی جلگه طویلی به طول 120 کیلومتر و عرض 15 کیلومتر در طول شرقی 52 درجه و 29 تا 36 دقیقه و عرض شمالی 29 درجه و 33 تا 41 دقیقه در فاصله 900 کیلومتری از تهران واقع شده (سالنامه آماری استان فارس، 1390، 3) که محله سهل آباد در شهرداری منطقه هفت شیراز که در شمال شرق شیراز با مساحت حدود 1478.9 هکتار مربع در حدود 21٪ از کل مساحت شهر شیراز را شامل می‌شود واقع شده است. این منطقه با 183346 نفر جمعیت حدود 14٪ از کل جمعیت شیراز را در خود جا داده است و تراکم جمعیت آن 124 نفر در هکتار مربع و بعد خانوار 57.3 می‌باشد. به دلیل اینکه منطقه فاقد شهرداری و یا مرکزی جهت نظارت بر تقسیم اراضی نبوده زمین‌ها بصورت غیراستاندارد تفکیک شده و در حال حاضر یکی از معضلات اساسی محله به منظور توسعه شهرنشینی، بافت ناهمگون کوچه‌ها و منازل مسکونی می‌باشد. در حال حاضر حدود 5000 خانوار در این محله سکونت دارند و تعداد تقریبی جمعیت محله طبق آمار اخذ شده از فرمانداری در حدود 25000 نفر می‌باشد (www.eshiraz.ir). بیشترین تعداد جمعیت در گروه سنی زیر 18 سال قرار دارند و حدود 30٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده این است که جمعیت جوان محله زیاد و نیز رو به افزایش می‌باشد. دلیل انتخاب محله سهل آباد به این دلیل بوده که کاملاً در بافت فرسوده قرار داشته و از محلاتی می‌باشد که بصورت ارگانیک رشد نموده و اکثر ساکنین این محله از بومیان می‌باشند. این محله از بافت نامنظم و ارگانیک برخوردار است. از لحاظ برخورداری از خدمات و زیرساختهای شهری نیز در شرایط مناسبی به سر نمی‌برد و مکان تفریحی و اوقات فراغت قابل توجهی در این محله وجود ندارد. محله سهل آباد نسبت به سایر محلات منطقه از قدمت بیشتری برخوردار است و ساکنین آن سابقه بیشتری در سکونت در این محله داشته و قدیمی‌تر هستند. قابل ذکر می‌باشد که در راستای توانمندسازی مناطق محروم شیراز محله سهل آباد مورد توجه خاصی قرار گرفته است و با توجه به فزونی جمعیت در وسعت منطقه سازمان مسکن و شهرسازی با همکاری شهرداری شیراز بر آن شدند که با تأسیس ساختمانی با عنوان خانه محله به اهداف مورد نظر نائل آیند.

بر اساس جمعیت محله در مجموع 108 پرسشنامه گردآوری شد، برای توزیع پرسشنامه در بین ساکنین با استفاده از فرمول کوکران و به طور تصادفی حجم نمونه انتخاب گردید. در این پژوهش جهت اعتبار و روایی

سنجی، در مرحله اول تعداد 30 پرسش‌نامه در بین جامعه آماری توزیع گردید که یکی از مهمترین اهداف آن بررسی میزان وضوح و روایی سؤالات مطرح شده بود که پس از تحلیل نتایج به‌دست آمده، ضریب 8/ به دست آمد که نشان از روایی و اعتبار بالای سؤالات طرح شده در پرسش‌نامه بود. این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی و علمی می‌باشد که محتوی علمی مطالب به صورت مطالعه کتابخانه‌ای از منابع موجود در دسترس، کتب، سایت‌های اینترنتی و از ارگان‌های مربوطه تهیه شده است. در مطالعات میدانی این پژوهش ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده که از روش مصاحبه برای پر کردن آن‌ها استفاده گردید. روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مشاهدات میدانی، مصاحبه با ساکنین محله و برای رسیدن به اهداف پژوهش نیاز به طراحی تعدادی پرسشنامه بود که این مهم صورت پذیرفت و بدین ترتیب در محله مورد نظر به‌طور تصادفی تعدادی پرسشنامه بر اساس فرمول کوکران توزیع گردید. توزیع پرسشنامه‌ها بر اساس حجم نمونه‌ای به میزان 10 درصد تعداد خانوارهای ساکن در محله مورد مطالعه بود که براین اساس در مجموع 108 پرسشنامه طراحی گردید، سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌های کسب شده از نرم‌افزار آماری *SPSS* استفاده شد. برای دستیابی به اهداف مطالعه و بر اساس موارد مورد نظر در پژوهش سؤالات پرسشنامه طراحی شد و در یک سیستم پنج نقطه‌ای لیکرت از پاسخگویان خواسته شد تا گزاره‌های مختلفی را از "کاملاً موافقم" با شماره 5 تا "کاملاً مخالفم" شماره 1 را مورد داوری قرار دهند البته در این بین گزاره‌ای نیز به منطقه خنثی یا "نظری ندارم" اختصاص داده شد. در این مرحله نیز به منظور شناخت و آگاهی از تأثیرات فضایی - مکانی حس تعلق، در محله مورد تحقیق پرسشنامه‌هایی را که به همین منظور تهیه شده بود توزیع و نوع بافت، شکل، قدمت محله، امکانات، زیرساخت‌های فیزیکی و به طور کلی اطلاعات فضایی و مکانی محله، از طریق پرسشنامه‌ها استخراج گردید. حس تعلق و وابستگی به مکان دارای شاخص‌هایی از قبیل تعلق احساسی، کارکردی (عملکردی) و مفهومی (معنایی) می‌باشد که در جدول شماره 1 آورده شده است که این شاخص‌ها به همراه مؤلفه‌های آن‌ها در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

خصوصیات جامعه آماری

کل جامعه آماری این تحقیق 5000 خانوار بوده است که با 108 نفر از آنها در قالب پرسشنامه مصاحبه شده است. 72 درصد از افراد پاسخگو مرد و 28 درصد دیگر زن بوده‌اند. 39.3 درصد از این افراد شغل آزاد، 14.9 درصد دولتی، 20.9 درصد محصل یا دانشجو و بقیه (24.9 درصد) بیکار بوده‌اند. تحصیلات این افراد، 28.7 درصد زیر دیپلم، 46.7 درصد دیپلم و فوق دیپلم، 21 درصد لیسانس و 3.6 درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر

بوده‌اند. 47 درصد این افراد زیر 25 ساله، 32 درصد 25 تا 35 ساله، 16.5 درصد 35 تا 45 ساله و 4.5 درصد دیگر 50 ساله و بالاتر بوده و 78 درصد از پاسخگویان بالای 25 سال و بیشتر سابقه سکونت در این محل را داشته‌اند. بافت قومیتی محله نیز طبق آمارهای موجود، بیشترین قومیت‌های ساکن در محله افراد بومی، عشایر ترک زبان، قومیت لر که اغلب از ناحیه سرحد اقلید، آباد و دژکرد و مهاجرینی که از سایر شهرستانهای استان فارس و یا استانهای دیگر مهاجرت نموده‌اند.

جدول شماره 1- شاخص‌ها و مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی

شاخص‌ها	مؤلفه‌های حس تعلق و وابستگی به مکان
	من در اینجا بیشتر از هر جای دیگری احساس راحتی می‌کنم
	من از پیشرفت‌های این محل راضی و خشنود می‌شوم
تعلق احساسی	این مکان برای من خیلی مهم است
	احساس افتخار به علت معروف بودن و متمایز بودن مکان
	بی رغبت به نقل مکان به جایی دیگر به علت عادت به محله‌ام
	مشتاق به محیط و فضای محله
	عاشق خیابان‌های اطراف هستم
	من بسیار به این محل دلبسته‌ام
تعلق کارکردی	این محل برای من سرشار از معانی است
	من از بودن در اینجا بیش از هر جا لذت می‌برم
	من در اینجا احساس امنیت می‌کنم
	عقیده مثبت در مورد مناسب بودن مکان برای زندگی و تأمین نیازها
	توانایی توصیف مکان به صورت خیلی عالی، تصور پذیری خوب
	احساس ناراحتی در صورت انتقال به جای دیگر
	مناسب و سازگار با سبک زندگی من
تعلق مفهومی (معنایی)	مناسب با زمینه فرهنگی من
	خاطرات بچگی و کهن
	علاقه افراد به هم
	مردم دوستی
	اجتماع و دیدار افراد محله

سنجش میزان تعلق احساسی به مکان

تعلق احساسی به مکان به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که تحت نفوذ الگوی ارتباطات پیچیده‌ای از ایده‌آل‌ها، اعتقادات، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، گرایش‌های رفتاری آگاهانه یا ناخودآگاه هویت افراد را در رابطه با

یک محیط فیزیکی تبیین می‌نماید (Porshansky, 1978) در نتیجه تعلق احساسی به جنبه‌ای از رابطه انسان - مکان اشاره دارد که امکان بروز و تأکید هویت را برای افراد فراهم می‌آورد. تعلق احساسی به محله شهری بازتابی از باورها و اعتقادات روانشناختی است که فرد از محیط سکونت خود دارد. در این تحقیق به منظور بررسی دقیق حس مکان از مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان استفاده شده است چرا که دل‌بستگی به مکان از ابعاد قابل اندازه‌گیری تر حس مکان است. شاخصه‌های حس تعلق به مکان (دل‌بستگی مکانی) دارای سه شاخصه اصلی یعنی تعلق احساسی، تعلق کارکردی و تعلق به معنا یا مفهوم می‌باشد. در این بخش به بررسی شاخصه تعلق احساسی به مکان می‌پردازیم که یکی از شاخصه‌های قابل اندازه‌گیری حس تعلق به مکان است که مؤلفه‌هایی از قبیل داشتن احساس راحتی از مکان، مهم بودن مکان در نظر افراد، متمایز دانستن مکان و افتخار به آن و ... در این بخش بررسی می‌گردد.

جدول شماره 2- سنجش مؤلفه‌های تعلق احساسی در محله سهل آباد.

مؤلفه‌های تعلق احساسی به مکان	
۲.۴	من در اینجا بیشتر از هر جای دیگری احساس راحتی می‌کنم
۳.۱۵	من از پیشرفت‌های این محل راضی و خشنود می‌شوم
۲.۶	این مکان برای من خیلی مهم است
۲.۳	احساس افتخار به علت معروف بودن و متمایز بودن مکان
۲.۷۵	بی رغبت به نقل مکان به جایی دیگر به علت عادت به محله‌ام
۲.۲۸	مشتاق به محیط و فضای محله
۲.۱۵	عاشق خیابان‌های اطراف هستم

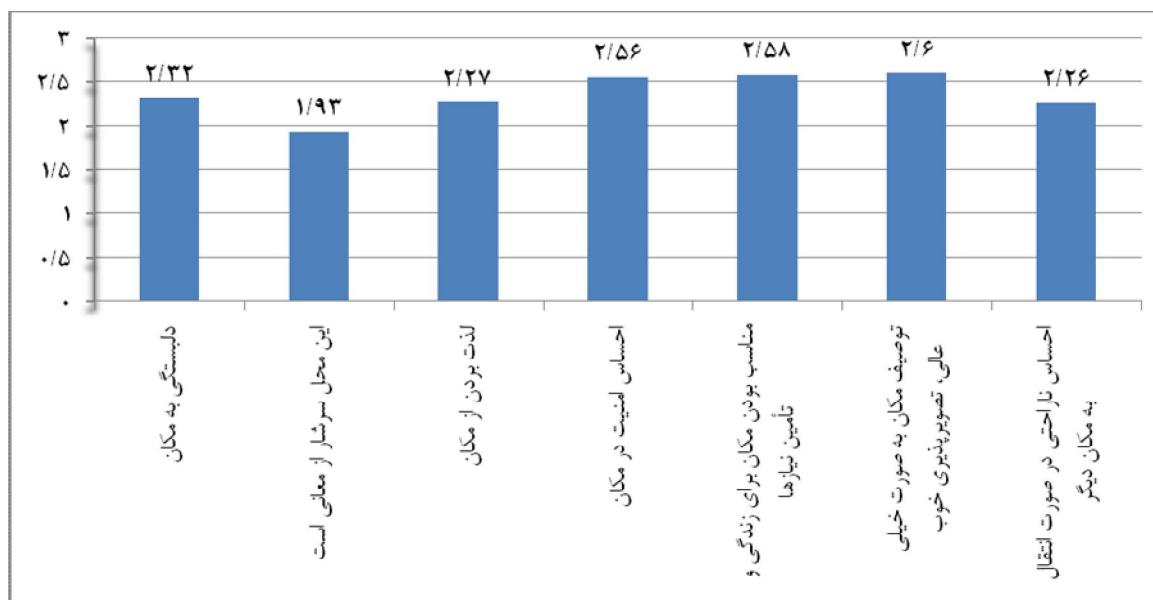
همان‌گونه که از جدول شماره 2 قابل مشاهده است، مؤلفه‌های تعلق احساسی در محله سهل آباد در چند مورد کمتر از نصف (کمتر از 2.5) هستند. در مجموع عدد تعلق احساسی به مکان در این محله 2.52 می‌باشد. به این معنا که بیش از نیمی از اهالی محل به محله خود تعلق احساسی داشته‌اند. در این میان عدد 2.75 مربوط به بی رغبت به نقل مکان به محله‌ای دیگر جای تأمل دارد و دلیل آن را باید عادت به مکان و شاید حس تعلق

به اجتماع محله و نیز بومی بودن ساکنین و روابط متقابل هر روزه و تعاملات اجتماعی در محیط قلمداد نمود، دلیل دیگر می تواند دسترسی سریع و آسان این محله به اکثر نقاط شهری در شهر شیراز ذکر نمود. نکته قابل توجه دیگر مربوط به متغیر احساس رضایت و خشنودی از پیشرفت در محله می باشد که رقم 3.15 را به خود اختصاص داده است که این مهم بیشتر به دلیل ایجاد خانه محله و اقداماتی نظیر بالا بردن سطح خدمات در این محله نسبت به دیگر محلات، دوره های آموزشی اعم از آموزش های شهروندی و ارتقاء سطح فرهنگی - اجتماعی، گسترش آموزش های فنی و حرفه ای با ایجاد مشاغل خانگی، تشکیل تعاونی ها، ارتقاء بهداشت محله و خانواده، اقدامات زیرساختی محل و اهداء وام بازسازی با مشارکت مردم، برنامه ریزی برای ایجاد کتابخانه زیر نظر کتابخانه ملی، ایجاد و ساخت درمانگاه می باشد.

سنجش میزان تعلق کارکردی (عملکردی)

وابستگی به مکان ناظر بر نظر داشت هایی است که یک محیط فیزیکی تا چه اندازه و به چه کیفیتی می تواند امکانات دستیابی به اهداف رفتاری افراد را در قیاس با آلترناتیوهای ممکن و در دسترس را تأمین نماید (Stedman, 2001) بنابراین، یک مکان می تواند به سبب ارزش های کارکردی و عملکردی خود برای ساکنین اهمیت و وابستگی خلق کند. وابستگی مکانی به محیط یک محله مسکونی شهری نیز به مؤلفه رفتاری در دیدگاه های نگرشی حس مکان اشاره دارد و به سنجش مثبت شهروندان از میزان موفقیت امکانات و تجهیزات کارکردی محله در ارتباط با ترجیحات رفتاری فرد در آن محیط نسبت به انتخاب ها و آلترناتیوهای در دسترس دیگر تعلق می گیرد. یکی دیگر از شاخصه های مهم حس مکان تعلق کارکردی - عملکردی است که برای به دست آوردن میزان آن در مکان باید به مؤلفه هایی از قبیل لذت بردن از مکان، احساس امنیت، توانایی توصیف مکان (تصویر پذیری خوب)، تعلق به مکان، درک معانی مکان، عقیده در مورد مناسب بودن مکان به منظور تأمین نیازها پرداخت. نتایج بررسی تعلق کارکردی در محله سهل آباد در نمودار زیر قابل مشاهده است. آنچه در این ارتباط بیشتر از همه قابل توجه است، امتیاز مربوط به درک معانی و مفاهیم مکان (1.93) است. بدین معنا که کمتر از 30 درصد افراد پاسخگو مکان را با معنا توصیف کرده اند و این شاید به نحوه برنامه ریزی های فیزیکی مسئولین شهری و فرسوده بودن بافت و نیز رشد ارگانیک و کوچه های تنگ و پر پیچ و خم بر می - گردد. در مورد لذت بردن افراد از قرارگیری در محله خود نیز، این مقدار کمتر از نصف است. البته در مواردی از قبیل احساس امنیت در مکان، توانایی توصیف مکان به صورت خیلی عالی و نیز عقیده مثبت در مورد

مناسب بودن مکان برای زندگی و تأمین نیازها وضعیت بهتر است و بیش از نیمی از افراد با این گزینه‌ها موافق بوده‌اند. در مجموع عدد دل‌بستگی کارکردی در محله مورد تحقیق 2.35 (کمتر از نصف) است.



شکل شماره 2- نمودار سنجش مؤلفه‌های تعلق کارکردی در محله سهل آباد.

سنجش تعلق مفهومی در محله سهل آباد

دل‌بستگی به مکان در محیط یک محله مسکونی می‌تواند بازتابی از ارزیابی‌های عاطفی ساکنان نسبت به آن محیط تلقی گردد. بر خلاف برخی پژوهش‌ها که دل‌بستگی به مکان را تنها محصول تعاملات اجتماعی در محیط قلمداد کرده‌اند، مطالعات متعددی اثبات می‌نمایند که تعلق عاطفی به مکان می‌تواند نسبت به محیط فیزیکی و نیز محیط اجتماعی صورت پذیرد (Jorgensen, 2005). دل‌بستگی به مکان یکی دیگر از شاخصه‌های حس تعلق به مکان است که متشکل از زیر بخش‌هایی همچون مناسب و سازگار بودن مکان با سبک زندگی افراد، مناسب با زمینه فرهنگی افراد، مردم دوستی و علاقه افراد مکان به هم، اجتماع و دیدار افراد محله و داشتن خاطرات کهن می‌باشد. بر اساس جدول 3 فقط در دو مورد، خاطرات بچگی و کهن و اجتماع و دیدار افراد محله است که بیش از نیمی از افراد پاسخگو به پرسشنامه‌ها با آن موافق بوده‌اند و در باقی موارد یعنی علاقه مردم، مردم دوستی و مناسب با زمینه فرهنگی و مناسب و سازگار با سبک زندگی من این مقدار کمتر از نصف است. در مجموع 2.45 یعنی کمتر از نصف (2.5) با مؤلفه‌های مفهوم مکان موافق بوده‌اند. به عبارت دیگر کمتر از 50٪ افراد این محله با مؤلفه‌های تعلق مفهومی به مکان موافق بوده‌اند. میانگین مؤلفه‌های تعلق مفهومی در

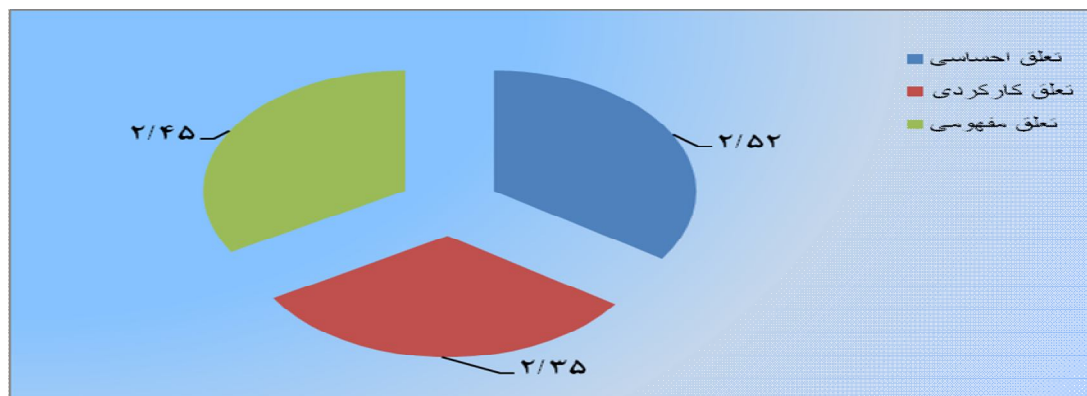
این محله 2.45 می باشد. فرسودگی بافت و نیز ارگانیک بودن ساخت کوچه های محله بیانگر وجود دو بافت منظم و نامنظم در این محله می باشد. در این محله بعضاً افراد سر کوچه ها و خیابان با هم ملاقات و گفتگو می کنند و مکان، پاتوق و محل گذران اوقات فراغتی در این محله وجود ندارد.

جدول شماره 3- سنجش مؤلفه های معنای مکان در محله سهل آباد

مؤلفه های دل بستگی مفهومی به مکان (معنی) (مفهوم)	
۲.۴۴	مناسب و سازگار با سبک زندگی من
۲.۳۵	مناسب با زمینه فرهنگی من
۲.۵۵	خاطرات بچگی و کهن
۲.۴۵	علاقه افراد به هم
۲.۴۴	مردم دوستی
۲.۶۱	اجتماع و دیدار افراد محله

مقایسه شاخصه های احساس تعلق مکانی

یک مکان به یک اندازه از شاخصه های حس تعلق به مکان برخوردار نیست و بنا به علل گوناگون کالبدی و انسانی تفاوت هایی میان این شاخصه ها وجود دارد. بر اساس شکل زیر (مقایسه شاخصه های حس تعلق به مکان در محله سهل آباد) تفاوت هایی بین میزان شاخصه های حس تعلق به مکان وجود دارد. بیشترین مقدار مربوط به تعلق و دل بستگی احساسی، 2.52 می باشد. تعلق یا دل بستگی مفهومی با عدد 2.45 در رتبه بعدی قرار دارد و کمترین مقدار مربوط به شاخصه تعلق کارکردی است که مقدار آن 2.35 می باشد. دلیل اصلی مقدار نسبتاً کمتر تعلق کارکردی در این محله شاید به بحث دور بودن آن از استانداردهای هویت شهری است. به طوری که در این محله کمتر به نماد، نشانه، تصویر پذیری و ... پرداخته شده است. به بیانی دیگر می توان به عدم وجود و یا ناچیز بودن عواملی از جمله اندازه، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری را در وضعیت نامطلوب ادراک و تعلق کارکردی را بیان نمود.



شکل شماره 3- نمودار مقایسه شاخصه‌های حس تعلق به مکان در محله سهل آباد.

عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در محله سهل آباد

عوامل مؤثر بر حس مکان را می‌توان مجموعه‌ای از ادراکات ذهنی زیباشناسانه، عاطفی، تاریخی و مذهبی و از سویی عملکردها و فعالیت‌ها و ویژگی‌های احساسی متناسب به یک مکان قلمداد کرد. باید توجه داشت که ادراکات و تصورات ذهنی نیز خود به خود شکل نمی‌گیرند و خود محصول شرایط و مؤلفه‌های محیطی می‌باشند. عوامل بسیاری بر میزان حس تعلق به مکان افراد تأثیرگذار است. نظیر سالهای سکونت افراد در یک مکان، سن، جنس، تحصیلات و... که هر کدام به نوبه خود می‌توانند بر حس تعلق افراد یک محله و به مکانی که زندگی می‌کنند تأثیرگذار باشند. اما جدا از تأثیر موارد بالا و نیز خصوصیات اخلاقی افراد و... (که از حوصله این پژوهش خارج است) عوامل مهم‌تر دیگری نیز بر حس تعلق افراد به مکان تأثیرگذارند. این عوامل را می‌توان در خود مکان جستجو کرد. خصوصیات فیزیکی و کالبدی، تاریخی و فرهنگی یک مکان تا حد بسیار زیادی می‌تواند بر احساس افراد از آن مکان مؤثر باشد. بر اساس جدول 4 (معنی‌داری رابطه خصوصیات کالبدی و حس تعلق به مکان) عواملی هم‌چون قدمت مکان، وجهه مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول شماره 4- معنی‌داری رابطه خصوصیات کالبدی - فیزیکی و حس تعلق به مکان.

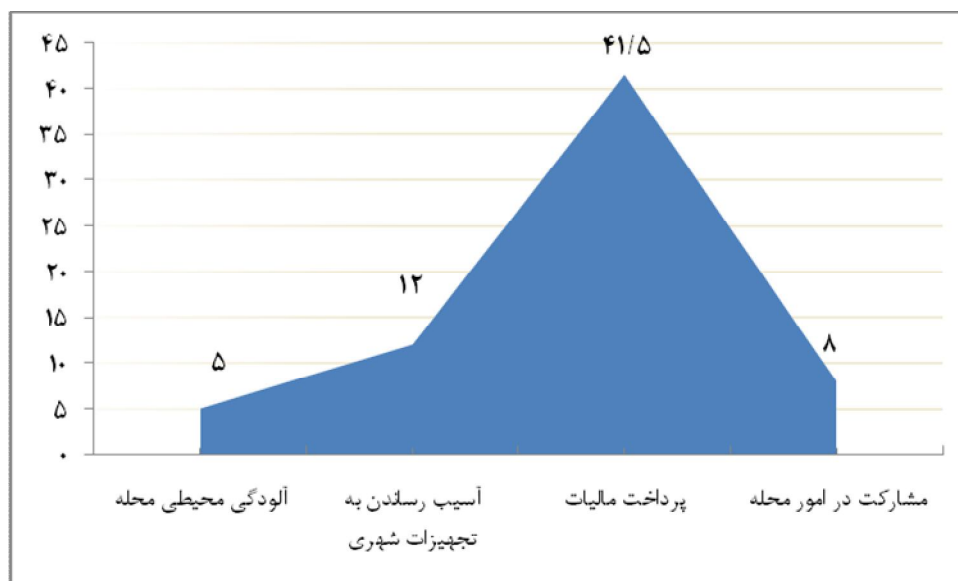
شاخصه‌های حس تعلق به مکان	قدمت محله	وجهه محله	دسترسی به خدمات	پوشش گیاهی	نمای خیابان	بافت محله	نزدیکی به مکان تفریحی
تعلق احساسی	۷۴۲	۹۴۹***	۹۷۷***	۹۶۰***	۹۴۹***	۸۳۰*	۷۷۴
تعلق کارکردی	۶۳۸	۸۹۰*	۹۵۷***	۹۵۶***	۷۹۷	۷۶۲	۷۲۰
تعلق مفهومی	۶۰۲	۶۰۴	۷۳۵	۷۷۷	۵۳۱	۵۸۹	۷۰۸

بر اساس داده‌های مربوط به جدول بالا عواملی چون وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و نوع بافت محله با میزان تعلق احساسی افراد به مکان رابطه معناداری داشته‌اند. به عنوان مثال هرچه وجهه محله بالاتر بوده، میزان تعلق احساسی به مکان بیشتر و هرچه وضعیت دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و بافت محله از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده، بر میزان تعلق احساسی شهروندان افزوده شده است. بین نزدیکی به مکان تفریحی و اوقات فراغت با محله و تعلق احساسی افراد نیز رابطه وجود دارد. همچنین بین وجهه محله، دسترسی به خدمات و پوشش گیاهی محله‌ی مورد تحقیق با میزان تعلق کارکردی در یک محله رابطه معناداری وجود داشته است. در مورد شاخصه دیگر حس تعلق به مکان، تعلق مفهومی - معنایی باید گفت که بین عواملی چون قدمت محله، وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و دسترسی محله به اماکن تفریحی و میزان تعلق مفهومی محلات رابطه وجود داشته است اما این رابطه جزء در مورد قدمت محله و نزدیکی به مکان تفریحی در باقی موارد کمتر و کم‌معنی‌تر از دو شاخصه تعلق احساسی و کارکردی بوده است در نتیجه متغیرهای تعیین شده در این قسمت با تعلق احساسی و کارکردی روابط معنادار و مستقیم بیشتری نسبت به تعلق مفهومی دارند بدین صورت که هرچه بر میزان متغیرهای مربوطه افزوده و درجه رضایت‌مندی ساکنین بیشتر شود به همان نسبت شاخص‌های تعلق احساسی، کارکردی و مفهومی نیز زیادتر می‌شوند.

تأثیرات فضایی - مکانی حس تعلق به مکان

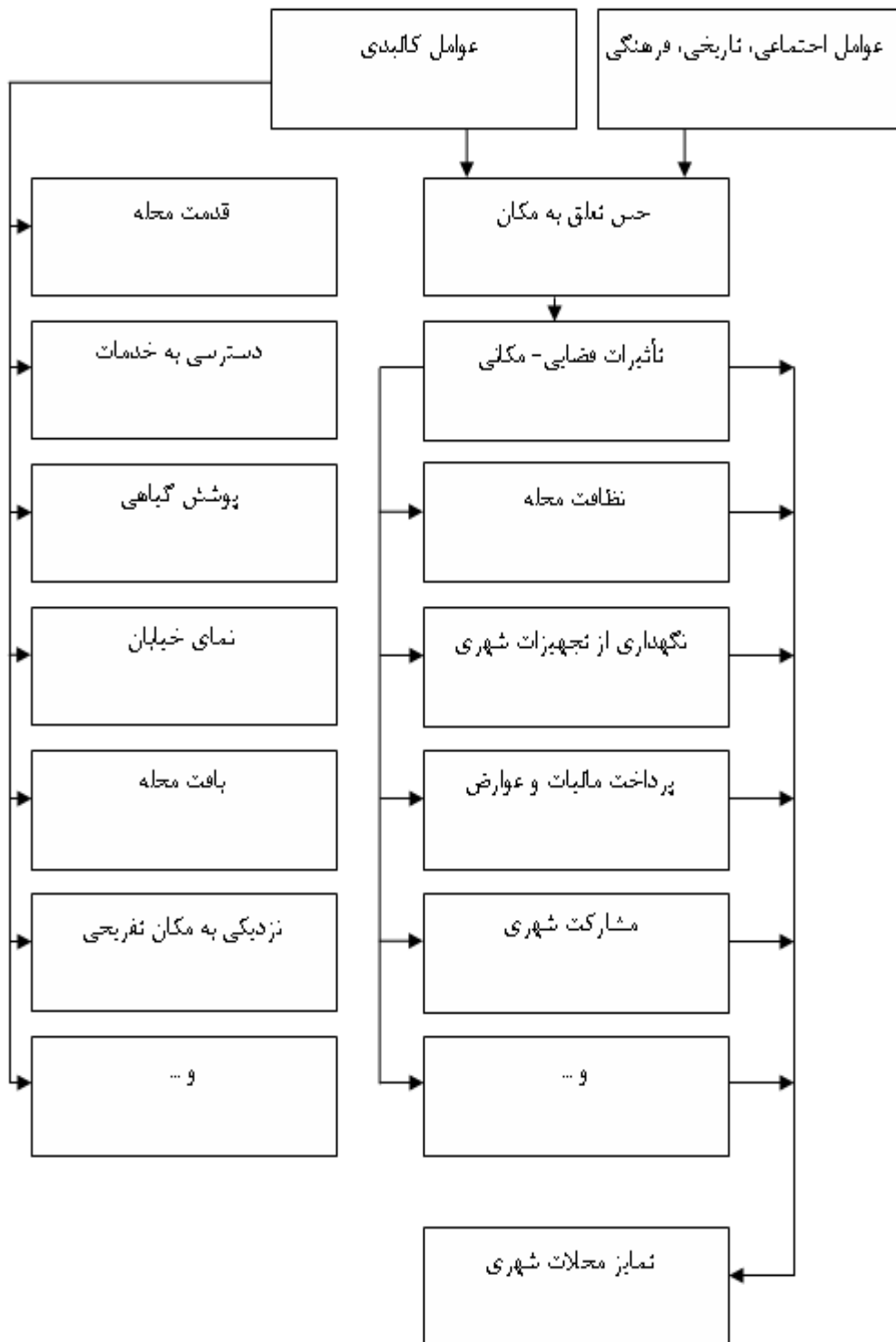
حس تعلق به مکان تأثیرات فضایی فراوانی بر روی مکان می‌گذارد. به طوری که می‌توان گفت این رابطه دو سویه است. یعنی اینکه هر نوع مکان یک نوع رفتار را می‌آفریند و تصورات ذهنی افراد نیز بر مکان تأثیرگذار است. در این بخش از تحقیق، به برخی از تأثیرات فضایی - مکانی حس تعلق به مکان پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که این تأثیرات فضایی - مکانی خود نیز می‌تواند باعث افزایش حس مکان افراد شود. در این تحقیق نظافت و تمیزی محله، مراقبت از تجهیزات شهری، پرداخت مالیات و مشارکت از تأثیرات فضایی - مکانی قلمداد شده‌اند که میزان معنی‌داری مؤلفه‌های حس تعلق به مکان با تأثیرات فضایی - مکانی به وسیله نرم افزار *spss* تحلیل شده که در قالب نمودار شماره 3 (معنی‌داری رابطه حس تعلق به مکان و برخی خصوصیات فضایی - مکانی بر اساس شاخص پیرسون) قابل ملاحظه است. گفتنی است که به منظور بررسی نظافت محله، نگارنده تحقیق میدانی به عمل آورده و میزان تمیزی محلات امتیازبندی شده است. البته این مشاهده و بررسی در چند نوبت و قبل از نظافت محلات توسط مأموران شهرداری انجام گرفته است. همچنین به منظور بررسی

مراقبت از تجهیزات شهری توسط افراد در محله، آمار کسب شده مربوط به درصد خسارت به مخازن زباله و نیز کیوسک‌های تلفن بوده که از ادارات مربوطه جمع‌آوری شده است. اعداد و ارقام مربوط به میزان مشارکت مردم در امور شهری و نیز پرداخت مالیات در قالب پرسشنامه و مصاحبه با ساکنین محله به دست آمده است.



شکل شماره 4- نمودار برخی پیامدهای فضایی - مکانی حس تعلق به مکان.

آنچه که از شکل بالا (رابطه حس تعلق به مکان و برخی خصوصیات فضایی - مکانی بر اساس شاخص پیرسون) قابل مشاهده است، اینکه حس تعلق به مکان تأثیراتی را بر روی محله داشته است، به طوری که با افزایش حس تعلق به مکان نظافت محله بیشتر رعایت شده، تجهیزات شهری بیشتر محافظت شده و کمتر صدمه دیده‌اند البته این نکته را نباید فراموش نمود که این موارد تا حدودی نیز به سطح فرهنگی منطقه و محله نیز در ارتباط می‌باشد. در این گونه محلات که حس تعلق مکانی وجود دارد افراد بیشتری اقدام به پرداخت مالیات می‌نمایند و مشارکت بیشتری در امور شهری توسط آنها انجام می‌گیرد. با بررسی‌های صورت گرفته در مورد تأثیرات فضایی - مکانی هر کدام از شاخصه‌های حس تعلق به مکان باید گفت که شاخصه‌های تعلق احساسی و نیز تعلق مکانی به مراتب تأثیرات فضایی - مکانی بیشتری نسبت به تعلق مفهومی در محله مورد تحقیق داشته‌اند. بطور کلی می‌توان این گونه بیان نمود که با افزایش احساس تعلق مکانی در ارتباط با هر سه شاخص ذکر شده شهروندان در تمامی زمینه‌های شهری از جمله نظافت محله، مراقبت و نگهداری از امکانات محله، پرداخت مالیات، مشارکت در تمامی زمینه‌ها و ... تأثیرات بسزایی بر شهروندان دارد.



شکل شماره 5- مدل مفهومی برخی تأثیرات فضایی - مکانی حس تعلق به مکان.

نتیجه‌گیری

یک مکان به یک اندازه از شاخصه‌های حس تعلق مکان برخوردار نیست و بنا به علل گوناگون کالبدی و انسانی تفاوت‌هایی میان این شاخصه‌ها وجود دارد بر این اساس تفاوت‌هایی بین میزان شاخصه‌های حس تعلق به مکان در محله سهل آباد وجود دارد. بیشترین مقدار مربوط به تعلق و دلبستگی احساسی، 2.52 می‌باشد. تعلق یا دلبستگی مفهومی با عدد 2.45 در رتبه بعدی قرار دارد و کمترین مقدار مربوط به شاخصه تعلق کارکردی است که مقدار آن 2.35 می‌باشد. دلیل اصلی مقدار نسبتاً کمتر تعلق کارکردی در این محله شاید به بحث دور بودن آن از استانداردهای هویت شهری است به طوری که در این محله کمتر به نماد، نشانه، تصویر پذیری و ... پرداخته شده است. در تحقیق حاضر اثبات شد که محلات فرسوده شهری می‌توانند حس تعلق به مکان افراد را ارتقاء بخشند. با فراهم‌سازی امکانات زیرساختی مناسب و هماهنگ با فرهنگ منطقه نیز می‌توان شهرسازی را به سمت ایجاد حس مکان هدایت کرد. در تحقیق حاضر تأثیر حس تعلق به مکان بر محله سهل آباد به اثبات رسید. به طوری که رابطه معنی‌داری بین شاخصه‌های مختلف حس تعلق به مکان و نگهداری از تجهیزات شهری توسط مردم، نظافت محلات، پرداخت مالیات و نیز مشارکت افراد در امور محله وجود دارد. در این پژوهش مشخص گردید که محله‌های واقع شده در بافت فرسوده شهری شیراز از جمله سهل‌آباد به علت تمایز از دیگر محلات شهری و عدم شباهت بلوک‌ها، وجود نماد و نشانه فراوان، پوشش گیاهی مناسب، هوای مناسب (به واسطه خرده اقلیمی که پوشش گیاهی خیابان‌های این محله به وجود آورده است) و ... از حس تعلق به مکان برخوردار بوده است. بطور کلی با مطالعات صورت پذیرفته و نتایج حاصل از پرسشنامه در ارتباط با احساس تعلق مکانی و تأثیرات آن بر روی شهروندان و تأثیرات فضایی - مکانی برخی متغیرهای پیش‌بینی شده بر ساکنین در نمودار زیر بیان شده است. در محله مورد تحقیق به علت عدم وجود زیرساخت‌ها و خدمات شهری مناسب در آن و نیز عدم وجود مکان دیدار و گفتگوی افراد محله و عدم نزدیکی به فضای سبز و ... از لحاظ حس تعلق به مکان و همچنین این محله با وجود قدمت بیشتر نسبت به محلات دیگر منطقه، به دلیل وجود بافت فرسوده در قسمتی از آن و سایر کمبودهایی که در مورد محله ذکر شد می‌تواند اثرات سوئی بر احساس تعلق مکانی ساکنین گذارد و شاید از جمله دلایلی که موجب گردیده حس مکان در این محله وجود داشته باشد قدمت محله، روابط سنتی و پایدار میان اهالی به دلیل سکونت بیشتر از 20 سال و نیز بومی بودن اکثر ساکنین باشد.

منابع

- 1- بحرینی، س. 1378. تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 2- پرتوی، پ. 1382. مکان و بی مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره 14.
- 3- پور احمد، ا. 1385. قلمرو و فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- 4- تبریزی، ج. 1382. تاثیر نوسازی شهری فن گرا بر ایجاد حس لامکانی: مطالعه موردی پروژه نواب، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا.
- 5- حبیبی، ر. 1387. تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره 35 پاییز. سالنامه آماری استان فارس، 1390.
- 6- شکویی، ح و تبریزی ج. 1382. تاثیر نوسازی شهری فن گرا بر ایجاد حس لامکانی: مطالعه موردی پروژه نواب، مجله مدرس، دوره 7، شماره 2.
- 7- فلاحت، محمد صادق، 1384، مفهوم حس مکان وعوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره 26، تابستان 1385.
- 8- قاسمی اصفهانی، م. 1386. بررسی حس مکان در شهرهای جدید(نمونه موردی شهر جدید اندیشه)، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- 9- کرمی، پ و شریعتی، س. 1387. بررسی نقش توسعه مبلمان و تجهیزات شهری بر هویت شهرها و شهرسازی.
- 10- مطلبی، ق. 1385. رویکردی انسانی به شکل دهی فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره 27.
- 11- مظلومی، م. 1389، تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله های مسکونی شهری، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد مرودشت، 1.
- 12- میر مقتدایی، م. 1382. معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره 19، پاییز 1383.
- 13- Becker, L. (2002), *the need for new paradigms building a sense of belonging for today's managers, Utilities policy, volume1, issue5, 424-426.*
- 14- Bonnie, M. Hagerty, A. Williams, J and Margaret, R. (2004), *Sense of belonging and indicators of social and psychological functioning, Archives of psychiatric nursing, vol 10, issue4, august1996, 235-244.*
- 15- Jorgensen, B. S. , & Stedman, R. C. (2006). *A comparative analysis of predictors of sense of*
- 16- Jorgensen, B. S. , Stedman, R. ,(2001). *Sense of place as an attitude: lakeshore property owners' attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology,*
- 17- Proshansky, H. , (1978). *The City and Self-Identity. Environment and Behavior. 10.*
- 18- Proshansky, H. M. , Fabian, A. K. ,Kaminoff, R. , 1983. *Place-identity: physicalworld ocialization of the self. Journal ofEnvironmental Psychology*
- 19- Relph, E. , 1976. *Place and Placelessness. Pion, London*
- 20- Shuhana, Sh. Norsidah, U.(2008). *Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malasia, Habitat international, 32, 399- 409.*
- 21- Stedman, R. C. (2002). *Toward a socialpsychology of place: Predicting behavior from*
- 22- Teo, P and Hung, SH. (1999), *A sense of place in public housing a case study of pasir ris, Singapore, Habital international, ume20, issue2, june1996, 307-325.*

23- Vandemark, L. (2007), *Promoting the sense of self, place, and belonging in displaced persons: the example of homelessness*, *Archives of psychiatric nursing*, volume21, issue5, october2007, 241-248.

www.eshiraz.ir